



Lesson one: Sense of Appreciation

پایه دوازدهم

حس قدرشناسی

فهرست مطالب



1

لغات درس با معنی

3

متون درس با ترجمه

8

گرامر

13

تست های گرامر کنکوری



لغات درس با معنی

words	meaning	words	meaning
Abroad	به خارج	Donate	اهدا کردن
Advice	نصیحت، پند	Enjoyable	لذت بخش
Agreement	توافق	Experiment	آزمایش
Appreciation	قدردانی، تشکر	Family members	اعضای خانواده
Author	مولف، نویسنده	Famous	مشهور
Babysitting	نگهداری از بچه	Flu	انفولانزا
Blood pressure	فشارخون	Catch	گرفتن
Born	متولد	Forgive	بخشیدن
Boost	ترقی دادن	Friendly	دوستانه
Calm	آرام، خونسرد	Function	کارکرد، کارایی
Calmly	باخونسردی	Generous	بخشنده
Cancer	سرطان	Grandchildren	نوه
Carpet	فرش	Hard of hearing	سنگین گوش
Combine	ترکیب کردن	Homeland	وطن
Comfortable	راحت، آسوده	Hug	بغل کردن
Condition	شرایط، وضعیت	Improve	بهبود بخشیدن
Confirm	تایید کردن	Increase	افزایش یافتن
Contrast	تضاد	Inspiration	الهام، القا
Cruel	ظالم، ستمگر	Lap	آغوش
Cure	درمان کردن	Lazy	تنبل
Dedicate	وقف کردن	Louder	بلندتر
Diary	دفتر خاطرات	Lower	پایین تر
Dishwasher	ماشین ظرفشویی	Meal	وعده غذایی
Distinguish	تشخیص دادن	Medicine	دارو، پزشکی



words	meaning	words	meaning
Memory	حافظه	Repeatedly	مکرراً
Mistake	اشتباه	Respect	احترام گذاشتن
Near	نزدیک	Result	نتیجه
Newspaper	روزنامه	Sense	حس
Ordinary	معمولی، عادی	Score	امتیاز، نمره
Parents	والدین	Shout	فریاد زدن
Physician	پزشک، داروساز	Sofa	مبل
Pigeon	کبوتر	Spare on pains	مضایقه نکردن
Poem	شعر	Spring	بهار
Poet	شاعر	Strength	قدرت، دوام
Poetry	شعر سرودن	Suddenly	ناگهان
Polite	مودب	Take care of	مراقبت کردن از
Product	محصول	Take	اندازه گرفتن
quantity	اندازه، مقدار	Temperature	دما
Rarely	به ندرت	Teenager	نوجوان
Reason	دلیل	Terrible	وحشتناک
Receive	دریافت کردن	Tool	ابزار، وسیله
Regard	ملاحظه کردن	Vase	گلدان
Regretful	پشیمان	Village	روستا
Religious	مذهبی	Weave	بافتن



Conversation

Sara has been in the Children's Medical Center for a week. She has caught a terrible flu. The doctor told her to stay there to get better. There is a photograph of an old man on the wall. While the nurse is taking her temperature, they start talking.

سارا یک هفته است که در مرکز درمانی کودکان حضور دارد. او آنفلوآنزا خیلی بدی گرفته است. دکتر به او گفته که در مرکز درمانی بماند تا بهتر شود. عکس یک پیر مرد روی دیوار است. درحالی که پرستار تب سارا را می گیرد، آنها شروع به صحبت می کنند.

Sara: Excuse me, who is that man in the picture?

سارا: ببخشید، اون مرده توی عکس کیه؟

Nurse: Oh, don't you know him? Have you ever heard of Dr. Mohammad Gharib?

پرستار: او، نمیشناسیش؟ تا بحال اسم دکتر قریب رو شنیدی؟

Sara: I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

سارا: فکر می کنم فقط اسمش رو توی کتاب انگلیسیم دیدم، اما مطمئن نیستم.

Nurse: Dr. Gharib was a famous physician.

پرستار: دکتر قریب یک پزشک مشهور بود.

Sara: Oh,... can you tell me a little about his life?

سارا: او، میتوانی کمی درباره زندگی او به من بگویی؟



Nurse: Dr. Gharib was born in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went abroad to study medicine. In 1316 he became a physician and then came back to his homeland. In 1347 this center was founded by Dr. Gharib and one of his close friends.

پرستار: دکتر قریب در تهران و در سال 1288 بدنیا آمد. بعد از گرفتن دیپلم به خارج رفت تا پزشکی بخواند. در سال 1316، یک پزشک شد و بعد به سرزمینش برگشت. در سال 1347، این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از نزدیک ترین دوستانش تاسیس شد.

Sara: Really? I didn't know that.

سارا: واقعا؟ من نمی دانستم .

Nurse: Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. He was very friendly and helpful to poor families. Not surprisingly, he was regarded as a dedicated physician.

پرستار: دکتر قریب یک مرد بخشنده و سخاوتمند هم بود. او از هیچ تلاشی برای درمان کودکان مریض مضایقه نمی کرد. او در مورد خانواده های فقیر خیلی خوش برخورد و مفید بود. جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک فداکار در نظر گرفته می شد.

Sara: Oh, what a great man he was!

اوه! عجب مرد بزرگی بود.

Nurse: By the way, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

راستی، ممکن است جالب باشه که بدانی دکتريت یکی از شاگردان دکتر قریب است.

Sara: Really?! That's interesting!

واقعا؟! خیلی جالبه!



Reading

Respect your parents

به والدین خود احترام بگذارید

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

در یک روز بهاری، پیرزنی روی کاناپه خانه اش نشسته بود. پسر جوانش داشت یک روزنامه می خواند. ناگهان یک کبوتر روی پنجره نشست.

The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: "It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?" The son said, "Mom, I have just told you, "It is a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother, "Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?"

مادر به آرامی از پسرش پرسید "این چیه؟". پسر جواب داد: "یک کبوتر است".
بعد از چند دقیقه، مادر برای دومین بار از پسرش پرسید: "این چیه؟". پسر گفت: "مامان، همین الان بهت گفتم، "این یک کبوتره، کبوتر".
بعد از مدتی، مادر پیر برای سومین بار از پسرش پرسید: "این چیه؟" این دفعه پسر سر مادرش داد کشید، "چرا یک سوال را دوباره و دوباره می پرسی؟ گوش هایت سنگین است؟"



A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My dear son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

کمی بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دفترچه خاطرات کهنه برگشت. او گفت: "پسر عزیزم، من این دفترچه خاطرات را وقتی به دنیا آمدی خریدم. بعد، او یک صفحه از آن دفترچه را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست که آن صفحه را بخواند:

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

امروز، وقتی یک کبوتر روی پنجره نشسته بود، پسر کوچک من در دامان من نشسته بود. پسر 15 بار از من سؤال کرد که این چیست، و من همه 15 بار به او پاسخ دادم که این یک کبوتر است. هر بار که او دوباره و دوباره همان سؤال را از من پرسید، با محبت او را بغل کردم. من اصلاً حس عصبانی بودن نداشتم. در واقع برای کودک عزیزم احساس خوشحالی می کردم.



Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

ناگهان پسر به گریه افتاد، مادر پیرش را بغل کرد و با تکرار گفت، مادر، مادر،
مرا ببخش، لطفاً مرا ببخش.

پیرزن پسرش را بغل کرد و او را بوسید و با آرامی گفت، "ما باید از کسانی که یک
زمانی از ما مراقبت کردند، مراقبت کنیم.



گرامر

وجه مجهول (passive voice) :

جملاتی که در آن رابطه بین فعل و مفعول مورد تاکید قرار گرفته است ، جمله مجهول نامیده می‌شود. اگر کار انجام شده برایمان بسیار مهمتر از شخص انجام دهنده ی کار باشد یا ندانیم چه کسی کار را انجام داده یا به دلایلی نخواهیم بگوییم که چه کسی کار را انجام داده است از جمله ی مجهول استفاده می کنیم. جمله ی مجهول صرفا به ما می گوید که فلان کار انجام شده است.

1. I clean my room every day. (معلوم)
2. My room is cleaned every day. (مجهول)

تبدیل جمله معلوم به مجهول :

1. مفعول جمله معلوم را در ابتدا می نویسیم . (مفعول به ضمیر یا اسمی گفته می‌شود که بعد از فعل می آید).
2. باتوجه به زمان جمله معلوم ، فعل to be مناسب را بعد از مفعول قرار می دهیم .
3. اسم مفعول (قسمت سوم) فعل اصلی را می نویسیم .

افعال با قاعده : ed + فعل	مثال : ask = asked
افعال بی قاعده : حفظ کردنی	مثال : eat = eaten

اسم مفعول

4. فاعل جمله معلوم را هم می توانیم در انتهای جمله مجهول با by قرار دهیم .

الگوی جمله مجهول در زمان های مختلف :

مجهول زمان حال ساده

(اسم مفعول p.p) + are / is /am + مفعول جمله معلوم

مثال کتاب: She makes pancakes every morning.

جمله معلوم

Pancakes are made every morning.

جمله مجهول



برخی از مشخصه های جمله زمان حال :

1. (**every** + day, week ,year,....)
2. (on + Sundays,....,Fridays)
3. (nowadays : امروز)
4. (sometimes, usually , always, often , never,... : قیود تکرار)
5. once/ twice (a day/ week/ month/ year)

مجهول زمان حال استمراری

(اسم مفعول p.p)+being+am/is/are+مفعول جمله معلوم

مثال: He is making a large building.

جمله معلوم

A large building is being made.

جمله مجهول

برخی از مشخصه های جمله زمان حال استمراری:

1. Yesterday
2. (last night, week, year,...)
3. (days ,weeks , years, ago,...)

مجهول زمان حال کامل (ماضی نقلی ساده)

(اسم مفعول p.p)+been+has/have+مفعول جمله معلوم

مثال کتاب: They have fixed the cars.

جمله معلوم

The cars have been fixed.

جمله مجهول

برخی از مشخصه های جمله ماضی نقلی ساده:

1. (for 2 days , weeks ,years,...)
2. since 1382 , yesterday,...)



۳. (So far : تاکنون)

۴. (yet, / سوالی / جملات منفی)

۵. (recently)

مجهول زمان گذشته ساده

(اسم مفعول + (p.p) + was/were + مفعول جمله معلوم

مثال کتاب: Alexander Fleming discovered penicillin.

جمله معلوم

Penicillin was discovered by Alexander Fleming.

جمله مجهول

مجهول زمان آینده ساده

(اسم مفعول + (p.p) + will/be going to+be + مفعول جمله معلوم

مثال: Mary will type the report tomorrow.

جمله معلوم

The report will be typed tomorrow.

جمله مجهول

برخی از مشخصه های جمله زمان آینده ساده :

1. Tomorrow

2. (next week, year,...)

3. (Soon)



جمله سوال کوتاه (short question) :

به این سوالات «دم سوالی» یا «سوالی کوتاه» گفته می شود.

سوالی کوتاه جمله پرسشی کوتاهی است که انتهای جملات خبری می آید و هدف آن تاکید بر آن خبر یا کسب اطمینان گوینده از شنونده است .

مثال کتاب: He's writing an email, isn't he?

The girls were weaving a carpet, weren't they?

The boys have broken the window, haven't they?

نکاتی برای ساختن جمله سوال کوتاه:

1. اگر جمله ای فعل کمکی داشته باشد ، برای ساختن جمله سوال کوتاه از همان فعل کمکی استفاده می شود.
2. اگر جمله خبری مثبت باشد ، فعل جمله سوال کوتاه منفی خواهد بود و اگر جمله خبری منفی باشد، فعل جمله سوال کوتاه مثبت خواهد بود.
3. در جمله سوال کوتاه، پس از فعل کمکی از ضمیر استفاده می شود. پس اگر فاعل جمله خبری ضمیر نباشد ، هنگام ساختن جمله سوال کوتاه آن را به ضمیر تبدیل می کنیم.
4. برای I am در سوالی کوتاه از Aren't I استفاده می شود.
5. اگر جمله ای فعل کمکی نداشته باشد ، باتوجه به زمان جمله از یکی از افعال did/do/ does در سوالی کوتاه استفاده می شود.



انواع جمله ها :

جمله ساده : جمله ای که فقط یک عبارت مستقل دارد .

مثال کتاب: The book was boring.

جمله مرکب : وقتی دو جمله یا عبارت مستقل را به شیوه ای صحیح به هم اتصال میدهیم. جمله مرکب بوجود می آید.

حروفی که دو جمله را به هم ربط می دهند: or , but , and , so , yet , for .

حرف ربط or : برای بیان انتخاب از بین گزینه ها

مثال : You should do your homework, or you should wash the dishes.

حرف ربط and : افزودن اطلاعات جدید به جمله پایه

مثال : We went to the park yesterday, and we had a wonderful time.

حرف ربط but : برای بیان تضاد جمله جدید با جمله پایه

مثال : Susan has a pink dress, but she never wears it.

حرف ربط so : برای بیان نتیجه گیری

مثال : Saeed studied hard for the exam, so he passed it.



تست های گرامر کنکوری

کنکور تجربی ۸۵:

The land next to our house sold to the government recently.

- a) is b) will be **c) has been** d) had been

معنی: زمین کنار خانه ما اخیراً به دولت فروخته شده است.

پاسخ: در انتهای جمله کلمه recently را داریم. در بخش گرامر توضیح دادیم که recently از مشخصه های جمله ماضی نقلی ساده است پس باتوجه به فرمول زیر، گزینه صحیح گزینه c می باشد.

(اسم مفعول + have/has+ been+(p.p) +مفعول جمله معلوم)

کنکور هنر ۸۵:

Many apartments for the poor employees during the last five years.

- a) are built b) were building c) have built **d) have been built**

معنی: در طول پنج سال گذشته آپارتمان های زیادی برای کارمندان فقیر ساخته شده است.

پاسخ: باتوجه به اینکه Many apartments در ابتدای جمله نقش مفعول را دارد و همچنین سازنده آن نامشخص است، پس جمله ما یک جمله مجهول می باشد. حال باتوجه به توضیحات گرامر داده شده last five years نشان دهنده زمان جمله ماضی نقلی ساده است و ساختار جمله مجهول در زمان ماضی نقلی بصورت زیر می باشد که مطابق با این ساختار گزینه d گزینه صحیح می باشد.

(اسم مفعول + have/has+ been+(p.p) +مفعول جمله معلوم)

کنکور تجربی ۷۵:

Since 1924, the winter Olympic Games held in countries with snow – covered mountains.

- a) have been** b) had been c) have d) had

معنی: از سال 1924، بازیهای المپیک زمستانه در کشورهای با کوههای پوشیده از برف برگزار شده است.

پاسخ: مفعول فعل held که عبارت games – the winter می باشد قبل از فعل به کار رفته و جمله مجهول است. از طرفی since 1924 نشان دهنده ماضی نقلی می باشد. بنابراین جمله فوق باید با ساختار زیر نوشته شود.

(اسم مفعول + have/has+ been+(p.p) +مفعول جمله معلوم)

**کنکور انسانی ۹۴:**

Hurry up! This information should to Mary and her family as soon as possible.

- a) **be sent** b) be sending c) have sent d) being sent

معنی: عجله کن این اطلاعات باید هر چه زودتر برای مری و خانواده اش فرستاده شود.

پاسخ: وقتی از فرستادن میپرسیم چه چیزی را جواب information خواهد بود پس information مفعول بوده و جمله ما مجهول است. فعل خاص should بعد از خود ساختار (to be + p.p) را می خواهد. پس گزینه صحیح گزینه a می باشد.

کنکور انسانی ۸۱:

People should how to use energy properly.

- a) **be taught** b) be teaching c) have taught d) teach

معنی: مردم باید در مورد اینکه چطور از انرژی به درستی استفاده کنند آموزش ببینند.

پاسخ: وقتی از teach میپرسیم «به چه کسی آموزش دادن؟» جواب people خواهد بود که یکی از مفعول های ما می باشد زیرا مفعول دیگر ما از how شروع شده و به properly ختم می شود. بنابراین جمله مجهول است همچنین بعد از افعال خاص باید از (to be + p.p) استفاده کرد.

سایت علمی آموزشی علم گرام معتبرترین مرجع سوال و جزوه درسی و آموزشی



۰۹۰۱۴۹۲۵۳۴۰

- مرجع دانلود نمونه سوالات امتحانی نوبت اول و دوم و کلاسی
- مرجع دانلود فایل های آموزشی درسی
- امکان همکاری با فرهنگیان برای فروش فایل های آموزشی
- طراحی سوالات امتحانی جدید و اختصاصی درخواستی مطابق با پایه تحصیلی



elmgram.ir